

بررسی نقش دانشجویان در مقابله با جنگ نرم دشمن (آمریکا) علیه جمهوری اسلامی و ارائه راهکار مطلوب با تأکید بر سخنان رهبری معظم انقلاب

حسن پسندیده

چکیده

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و اثبات ناکارآمدی عملیات سخت‌افزارانه علیه انقلاب اسلامی، دشمنان نظام اسلامی به خصوص آمریکا خط‌مشی فرهنگی و نرمی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران پیش گرفتند. از دهه ۱۳۷۰ تاکنون، آمریکا برای مقابله با اسلام و فروپاشی حکومت دینی ایران با برنامه‌ریزی و استفاده از پیشرفته‌ترین ابزارهای تبلیغی و ارتباط جمعی اقدام به جنگ نرمی علیه ارزش‌ها و هویت ملی و دینی ما نموده است، تا بتوانند باورهای دینی مردم را سست، و ملت ما را نسبت به حفظ پاسداری از مبانی و اصول انقلاب اسلامی بی‌تفاوت نماید.

اهمیت همین موضوع بود که رهبر انقلاب، دانشجویان را افسران جوان جنگ نرم نامید. هدف از این تحقیق، بررسی نقش دانشجویان در مقابله با جنگ نرم دشمن (آمریکا)، علیه جمهوری اسلامی و ارائه راهکارهای مطلوب، با تأکید بر سخنان رهبری است. شیوه تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و گذشته‌نگر است. برای رسیدن به هدف، مدل مفهومی در دو جبهه تهدید و مقابله طراحی شد. در جبهه تهدید دشمن بر اساس مبانی نظری خود (رهیافت هانگتینتون، رهیافت جین شارپ و رهیافت اندلسی) در چهار بعد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و روان‌شناختی به دنبال تأثیرگذاری در قشر دانشجو و مردم جامعه است، تا از آن طریق به هدف غایی خود که همانا فروپاشی نظام اسلامی است نائل آید؛ در جبهه مقابله در این مدل، با تأکید بر مبانی نظری (سخنان رهبری) در چهار بعد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و روان‌شناختی در قبل، حین و بعد از تهدید، با تأثیرگذاری بر قشر دانشجو، به دنبال تقویت و تثبیت نظام اسلامی هستیم.

کلیدواژه‌ها: جنگ نرم، دانشجو، آمریکا، جمهوری اسلامی.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، دشمن، حرکت و تلاش‌های فراوانی را برای مقابله با این پدیده به انجام رسانید، اما در برابر ایثار و عزم ملتی مؤمن و انقلابی، عاجز و درمانده شد. وقتی از جنگ نابرابری که بر امت اسلامی تحمیل نمود، بهره‌ای نبرد، برای تأمین منافع نامشروع خود مبارزه دیگری را که از ابزار و روش‌های جدید بهره گرفته می‌شد، به میدان آورد، این بار اندیشه نفوذ و استحاله فکری و فرهنگی مردم مسلمان ایران را در سر می‌پروراند؛ آمریکا تصمیم گرفت جنگ سخت را که برای ایشان پرهزینه بود و بی‌آبرویی را، بدون پیروزی و رسیدن به هدف به ارمغان آورد، کنار بگذارد و جنگ جدیدی را که همان جنگ فکری، کلامی، خصومت غیر مستقیم و فروپاشی از درون است، به عنوان "استعمار فرانکو" به مرحله اجرا در آورد و با رخنه در عرصه‌های مختلف و با حمله‌ای نرم، خاموش و بی‌صدا، همچون موریانه‌ای به قطع ریشه‌های کهن فرهنگی، تاریخی و اعتقادی ما پردازد. دشمن پس از شکست در جنگ هشت ساله به رواج فرهنگ منحط و مبتذل امیدوار شد؛ تا با اشاعه آن بتواند عقبه انقلاب اسلامی، یعنی جوانان و نوجوانان را که امیدهای آینده جامعه اسلامی هستند، بمباران فرهنگی نماید که متأسفانه علی‌رغم بیانات مکرر و حکیمانه رهبر معظم انقلاب، مبنی بر وجود خطر تهاجم، یورش و ناتوی فرهنگی و ضرورت مقابله جدی با این پدیده شوم، به لحاظ روحیه تساهل و تسامح بعضی از مسئولان درگذشته، و عدم چاره‌اندیشی اساسی برای مقابله با آن، روزبه‌روز شاهد گسترش ناهنجاری‌های فرهنگی در سطح جامعه بوده و هستیم و یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراکز مورد تهدید، همین دانشگاه‌ها است که محور فعالیت گروه‌های عمده و بازیگران جنگ نرم هستند و دشمن در برنامه راهبردی خود، با ایجاد شبکه‌های مختلف و جذب گروه‌هایی، از جمله شخصیت‌های دانشگاهی و روشنفکران مسلمان لیبرال و سکولار و سایر فعالان سیاسی و هنری، محور اصلی فعالیت‌های خود را بر دانشگاه و دانشگاهیان قرار داده است و تلاش می‌کند با پوشش رسانه‌ای پرحجم و متنوع مباحث مطرح‌شده در فضای دانشگاه‌ها، آن را به سطح عمومی منتقل نماید؛

بنابراین جبهه اصلی و خاکریز اول جنگ نرم در داخل کشور، فضای دانشگاه است. بر این اساس رهبر فرزانه انقلاب، آرایش نیروهای انقلابی در دانشگاه را، با تعریف نقش مشخص برای استادان و دانشجویان ترسیم نموده‌اند. ایشان در دیدارهای خود با این قشر تاثیرگذار فرهیخته، با تشریح هوشیاری عناصر انقلابی در دانشگاه برای مقابله با جنگ نرم دشمن، تفاسیر زیبایی "افسران جنگ نرم و فرماندهان جنگ نرم" را برای دو گروه دانشجویان و اساتید به کار برده‌اند.

مقام معظم رهبری این‌چنین فرمودند: «جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید رتبه بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید، دشمن را درست شناسایی کنید، هدف‌های دشمن را کشف کنید، احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان حرکت کنید» (رهبرانقلاب، ۱۳۸۸).

حضرت امام خمینی(ره) در رابطه با اهمیت و حساسیت دانشگاه‌ها می‌فرمایند: «بالاترین چیزی که دشمنان کشورهای مستضعف و کشورهای اسلامی از طرف مخالفین با بشریت انگشت رویش گذاشته‌اند دانشگاه است، برای اینکه آنها خوب می‌دانند که اگر دانشگاه در خدمت آنها باشد یعنی همه کشور در خدمت آنهاست. دانشگاه است که امور کشور را اداره می‌کند، دانشگاه است که نسل آینده و حاضر را تربیت می‌کنند. لذا نقش و رسالت عظیمی بر دوش دو قشر اساتید، اندیشمندان، فرهیختگان و دانشجویان می‌باشد» (سخنرانی امام ۶۰/۳/۲۳).

در این رهگذر برای حفظ هویت ارزش‌های دینی، ملی و انقلابی، و برای مقابله با تهدیدهای نرم دشمن، چه در محیط‌های اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی در بیرون دانشگاه‌ها، و چه در خود محیط‌های آموزشی و دانشگاهی، مسئولیت خطیری بر عهده دانشگاهیان است، و عملکرد آنها به طور مستقیم و غیر مستقیم در این امر حایز اهمیت می‌باشد. به هر میزان هوشیاری، دشمن‌شناسی، تلاش و همتی که مصروف می‌دارند بیشتر باشد، شکوفایی، بالندگی، تولید و پیشرفت علوم و فنون و

در نتیجه ترقی و عظمت جمهوری اسلامی ایران بیشتر خواهد بود و جنگ و تهدیدهای مختلف دشمن را بی‌اثر خواهد نمود.

بیان مسأله

در حال حاضر نزدیک به سه‌ونیم میلیون دانشجوی در کشور، در مقاطع مختلف مشغول به تحصیل هستند. در مدل برنامه‌ریزی راهبردی این تعداد دانشجوی به دلایل عدیده از نقاط قوت محسوب می‌شود و همین نکته باعث شده است بیشترین حجم جنگ نرم دشمن، با هدف خنثی‌سازی این ظرفیت متراکم، برنامه‌ریزی شود و در ماه‌های بعد از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری این نکته روشن شد که دشمن توانسته است در رسیدن به اهداف خود و همراه‌سازی طیفی از بدنه دانشجویی کشور به موفقیت‌هایی دست یابد و باید بپذیریم که راز و رمز بخشی از این موفقیت دشمن، مرهون کوتاهی‌ها و کج‌سلیقگی‌های متولیان و مسئولان دانشجویی در سامان‌بخشی و هدایت این جریان قدرتمند و پرشمار بوده است.

شاید بتوان جریان دانشجویی در کشور را به رودخانه‌ای پرآب و پرشتاب تشبیه کرد که باید با مهارت و زیرکی هرچه تمام‌تر در مسیر درست هدایت شود و از آن برای آبادانی و سازندگی جامعه بهره برد و در صورت ناتوانی و بی‌برنامگی در کنترل و استفاده بهینه، خرابی‌های حاصل از آن اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

دانشجویان به دلیل بهره‌مندی از نیرو و طراوت جوانی، سرشار از نشاطی هستند که در سنین میان سالی دیگر خبری از آن شور و هیجان نیست و با استفاده از همین نیروی متراکم می‌توان گام‌های سنگین و ارزشمندی را برداشت که شاید از عهده افراد عادی ساخته نباشد. نکته قابل توجه در این بحث این است که اگر تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مورد استفاده در جنگ نرم را مرور کنیم به این نکته پی می‌بریم که جنس فعالیت‌ها و مبارزات عرصه جنگ نرم همخوانی بسیار زیادی با روحیه و ظرفیت‌های دانشجویی دارد. به عبارت ساده‌تر با تکیه بر این ظرفیت و آزادسازی این انرژی، نه تنها می‌توان با فعالیت‌های دشمن در عرصه‌های داخلی

مقابله کرد، بلکه این امکان وجود دارد، در عرصه‌های بین‌المللی نیز حضور فعال داشته باشیم و کاستی‌های موجود در جهان اسلام را جبران نماییم. کارشناسان مسائل سیاسی، معتقدند: «هدف نهایی دشمن از جنگ نرم، استحاله فکری و فرهنگی نخبگان و مردم جامعه است؛ چراکه اگر مبانی فکری و اعتقادی مردم عوض شود، به راحتی تسلیم فرهنگی غرب خواهند شد». به همین دلیل دانشگاه‌ها نقش محوری و مرکزیت فرماندهی مقابله با این جنگ مدرن را بر عهده دارند؛ چون فرماندهی اصلی مبانی فکری و فرهنگی و شکل‌دهی به جریان‌های ارزشی جامعه از دل نهاد دانشگاه می‌جوشد و دانشجویان به تعبیر زیبای رهبر معظم انقلاب، به عنوان افسران جوان، و اساتید به عنوان فرماندهان این نبرد، محسوب می‌شوند و از آنان انتظار می‌رود بیش از پیش به اهمیت وجودی فعالیت‌های خود بیندیشند و در کارزار جبهه جنگ نرم دشمن به وظایف خود به خوبی عمل نمایند و هدایت افکار عمومی جامعه را به سمت آینده‌ای روشن و درخشان بر عهده بگیرند.

سؤالات تحقیق

در این مقاله ما به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که دانشجویان (افسران جنگ نرم) چه نقشی در جنگ نرم دشمن (آمریکا) در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سخنان رهبر معظم انقلاب دارند؟

برای پاسخ به این سؤال اصلی سؤالات فرعی زیر مطرح است:

- (۱) رهیافت‌ها و نظریه‌های ارائه‌شده در خصوص جنگ نرم کدام است؟
- (۲) ابعاد و سطوح جنگ نرم کدام است؟
- (۳) کارکرد دانشجویان در جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری کدام است؟

چارچوب نظری تحقیق

(۱) گزینه تغییر شکل و استحاله رسمی (رهیافت هانتینگتون)

ساموئل هانتینگتون نظریه‌پرداز یهودی آمریکایی و مسئول هماهنگ‌کننده «بنیاد طرح امنیتی شورای امنیت ملی آمریکا» در سال ۱۹۹۲، یک سال بعد از فروپاشی

اتحاد جماهیر شوروی، کتابی با عنوان «موج سوم دموکراسی» منتشر کرد. او با رهیافت تجویزی، فرآیند «دموکراسی‌سازی» یا «استحاله سیاسی» در رژیم غیر دموکراتیک را آموزش می‌دهد.

برخی از صاحب‌نظران آمریکایی و مراکز تصمیم‌ساز فکری بر این باورند که راه مقابله و فروپاشی نظام‌های غیر لیبرال در جهان اسلام، پیاده‌سازی «پروژه دموکراسی‌سازی» است. این راهبرد در طرح خاورمیانه بزرگ مورد تأیید قرار گرفته است. تاکنون این راهبرد در کنار راهبرد لشکرکشی نظامی، طرفدارانی در مراکز مطالعاتی و تفکر غربی و به ویژه آمریکایی داشته است. هانتینگتون در یک تقسیم‌بندی، نظام‌های سیاسی را به نظام‌های سیاسی لیبرال «اقتدارگرا» و غیر لیبرال «دموکراتیک» تقسیم می‌کند. او لازمه تغییر شکل حکومت‌های غیرلیبرال را وجود یک گروه قدرتمند «هواخواه لیبرالیسم» در درون نظام برای به نتیجه رساندن پروژه دموکراسی‌سازی می‌داند. برای این اقدام دو شرط را ضروری می‌داند؛ نخست، هواخواهان لیبرالیسم باید بتوانند از طریق شیوه‌های قانونی مثل انتخابات به قدرت برسند. دوم، آنان باید بتوانند استحاله سیاسی و «پروژه دموکراتیزه کردن نظام» و در نهایت «لیبرالیزه کردن فضای فرهنگی و اجتماعی کشور» را به نتیجه برسانند. هانتینگتون در کتاب «موج سوم دموکراسی» که اقدام فرهنگی به عنوان بهترین روش، برای دموکراتیزه کردن کشورهای خاورمیانه است، تأکید می‌کند که غرب باید به صورت هماهنگ از عرضه دموکراسی در جوامع اسلامی حمایت کند.

هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن‌ها را چند سال قبل از نظریه دموکراسی‌سازی مطرح کرد. طبق این نظریه ماهیت جنگ‌ها در حال تحول است. جنگ فرهنگی و تمدنی جایگزین جنگ نظامی شده است. با طبقه‌بندی هشت فرهنگ و تمدن در جهان، معارضة بعد فروپاشی شوروی را معارضة فرهنگی-تمدنی بین دو فرهنگ و تمدن غرب و اسلام می‌داند و به طور مشخص جمهوری اسلامی ایران را نماد متحرک تمدن اسلامی معرفی می‌کند. به عقیده وی در جمهوری اسلامی ایران دین و سیاست تلفیق شده‌اند. از این جهت، غرب را با خطر توسعه اصول‌گرایی اسلامی

مواجه کرده است، که برخورد نظامی با چنین نظامی برای غرب مطلوبیت ندارد؛ بنابراین، باید نیروهای به اصطلاح دموکراتیک و هواخواه غرب برای زیر سؤال بردن مشروعیت آن وارد عمل شوند. او جمهوری اسلامی ایران را به عنوان حکومتی «غیر لیبرال» و «اقتدارگرا» معرفی می‌کند. دستورالعملی را خطاب به «هواخواهان لیبرالیسم در ایران» ارائه می‌دهد.

۲) گزینه استحاله فرهنگی (رهیافت اندلسی)

تهاجم فرهنگی عبارت است از تلاش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته برای تحمیل باورها، ارزش‌ها و رفتارهای مورد نظر بر سایر جوامع و ملت‌ها؛ به طوری که در کشور مورد تهاجم به دگرگونی هویت فرهنگی و تضعیف و تغییر نظام سیاسی مورد نظر منجر شود. هدف از تهاجم فرهنگی، کنترل فرایند شکل‌گیری افکار عمومی و نظام ارزش‌هاست که به استیلای سیاسی و اقتصادی منجر می‌شود. برخی از محققان و تحلیل‌گران رجبی دوانی (۱۳۸۸)، سراج (۱۳۸۸) و شریفی (۱۳۸۸) تهاجم فرهنگی، تضعیف باورها و ارزش‌ها در بین جامعه و در حکومت آندلس موجب فروپاشی از درون از طریق استحاله فرهنگی معرفی می‌کنند. مسلمانان در اواخر قرن اول هجری، تحت تأثیر انگیزه‌های دینی و شور مذهبی، با سرعتی کم‌نظیر بر سراسر آندلس و حتی اعماق فرانسه مسلط شدند، اما به مرور با بروز اختلافات میان گروه‌های مختلف مسلمان برای کسب قدرت، دنیازدگی، فساد اخلاقی و رفاه‌طلبی بسیاری از مسلمانان، به ویژه سران و بزرگان آنها، زمینه آسیب‌پذیری و انحطاط فراهم شد. دشمن با بهره‌گیری از ضعف‌های درون جامعه اسلامی، به تدریج قدرت یافت و ابتدا با به راه‌اندازی جنگ نرم و کمک به گسترش فساد و فحشا، موفق به تضعیف اقتدار و ناکارآمدسازی حاکمیت آنها شد. سپس با جنگ سخت، طومار قدرت و حکومت مسلمانان، بلکه حتی حضور آنها در آندلس را درهم پیچید.

رجبی دوانی (۱۳۸۸)، آندلس را نمونه‌ای از پیاده‌سازی پروژه استحاله فرهنگی می‌داند که از این طریق موجبات فروپاشی آن فراهم گردید. فتح آندلس به دست مسلمانان و پدید آوردن برترین و غنی‌ترین فرهنگ در اروپا و حضور ۸۰۰ ساله اسلام در این سرزمین، یکی از حوادث مهم تاریخ است که مورد توجه مورخان قرار گرفته است. از دیگر سو، چگونگی فروپاشی قدرت سیاسی مسلمانان در آندلس و سرانجام از بین رفتن حاکمیت آنان و در پی آن قتل عام وسیع مسلمانان و الزام و اجبار بسیاری از آنان به ترک دین مبین اسلام، تشکیل محکمه‌های تفتیش عقاید و سوزاندن هزاران تن به جرم تقیه و مسلمانی و بالاخره اخراج گسترده مسلمانان از آندلس که به مرگ بیشتر مسلمانان انجامید، از صفحات سیاه و تاریک تاریخ است که برای اهل بصیرت به عنوان یکی از نمونه‌های برجسته جنگ نرم و تهاجم فرهنگی بسیار عبرت‌آمیز می‌باشد (رجبی دوانی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

سراج (۱۳۹۰)، یکی از پژوهشگران جنگ نرم معتقد است الگوی آندلسی یکی از الگوهای براندازی نرم است که از طریق تضعیف و جایگزینی باورها و ارزش‌ها و فساد اقتصادی، پروژه ناکارآمدسازی و فروپاشی نظام سیاسی به نتیجه می‌رسد. او معتقد است، سه سطح فساد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکمان، موجبات ناکارآمدی نظام موجود را فراهم می‌سازد و به تدریج نظام موجود و حاکمان آن در باورهای ذهنی مردم بی‌اعتبار گردیده و جامعه دچار استحاله فرهنگی و رویگردانی از کارکردهای نظام می‌شود، دقیقاً اتفاقی که در آندلس افتاد (سراج، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

شریفی (۱۳۸۸)، بر این باور است که غرب در زمینه جنگ سخت تجربه چندان موافقی در جهان اسلام ندارد، اما تجربه آندلس و یا جنگ نرم غرب مسیحی علیه آندلس اسلامی تجربه تاریخی و موفق غرب علیه جهان اسلام است؛ سرزمینی که تقریباً در طول هفت قرن، شاهکارهای علمی، فرهنگی و هنری فراوانی پدید آورده بود که با تغییر ذهنیت مردم و ایجاد شبهه در باورها و ارزش‌های آنها، به طور کامل در تسخیر غرب در آمد و همه سوابق درخشان، تمدن و فرهنگ فروزان آن به تاریخ پیوست.

۳) گزینه‌های انقلاب رنگی (رهیافت جین شاریپی)

انقلاب رنگی یا مخملی^۱ از شیوه‌های براندازی نرم است که نوعی دگرگونی و جابه‌جایی قدرت همراه با مبارزه منفی و نافرمانی مدنی را شامل می‌شود. انقلاب‌های رنگی و مخملی در جوامع پساکمونیستی در اروپای مرکزی، شرقی و آسیای مرکزی اتفاق افتاد که آن را برای نخستین بار «واسلاو هاول»، رئیس جمهور پیشین چک که در آن زمان رهبر مخالفان این کشور بود، ب رسر زبان‌ها انداخت، به نحوی که بخش عمده‌ای از تحولات سیاسی سال‌های اخیر در حوزه شوروی سابق و از جمله در آسیای مرکزی و قفقاز را تحت تدثیر خود قرار داد. انقلاب‌های رنگین و مخملین، جنگ و مبارزه نوین و بدون خشونت است که در راستای راهبرد جهانی آمریکا برای پر کردن خلأ قدرت شورای سابق در اروپای مرکزی و شرقی، آسیا مرکزی و قفقاز و از میان برداشتن موانع هژمونی آمریکا عملیاتی گردید.

نوع دگرگونی و تغییر ساختارهای سیاسی که از آن با نام انقلاب‌های رنگین یاد می‌شود، دارای ویژگی‌های مشترک در علل و عوامل و شکل تحول است که این ویژگی‌ها عبارتند از:

- همگی آنها (به جز قرقیزستان) بدون استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز و طی راهپیمایی خیابانی به پیروزی رسیدند؛

- تمامی این تحرکات با شعارهایی مبتنی بر دموکراسی‌خواهی و لیبرالیسم انجام گرفتند؛

- ثقل زمانی در انجام انقلاب‌های رنگین انتخابات است. بدین صورت که با اعلام تقلب در انتخابات از سوی مخالفان دو هدف عمده ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن، با ناظرین بین‌المللی پیگیری می‌شود.

^۱ Velvetrevolution

در انقلاب‌های رنگین چهار نوع روش عمده اعتراضی مورد توجه شورشگران قرار می‌گیرد:

- اعتراضات خیابانی بدون خشونت (به صورت روزانه و مستمر و با پوشش گسترده رسانه‌ای؛

- اغتشاشات عمومی همراه با خشونت کنترل‌شده (به صورت شبانه‌روزی و بدون پوشش خبری). این گونه اغتشاشات به منظور افزایش فشار به افکار عمومی و دولت مستقیم صورت می‌گیرد تا محیط شورش را هیجانی کرده و عقلانیت تصمیم‌گیری را به حداقل برساند؛

- اعتصابات صنعتی گسترده (کارگری، کارمندی و...؛

- تحصن عمومی و بلندمدت با پوشش گسترده رسانه‌ای (به ویژه در مجاورت مراکز حساس و حیاتی پایتخت).

بنیاد سوروس^۲ با نام اصلی «بنیاد جامعه باز» متعلق به جورج سوروس است. هدف این مؤسسه، آن طور که خود عنوان می‌کند، ایجاد و حفظ ساختارها و نهادهای جامعه باز^۳ است. خود مؤسسه و رسانه‌های غربی فعالیت این بنیاد را از کمک انسان‌دوستانه گرفته تا بهداشت عمومی و رعایت حقوق بشر و اصلاحات اقتصادی عنوان می‌کنند، ولی به خاطر دست داشتن این مؤسسه در انقلاب‌های رنگی، هدف آن را براندازی نرم و خاموش کشورهای مختلف می‌دانند. بنیاد سوروس با فعال کردن مراکز مطالعاتی در کشورهای مختلف و سپس با ارزیابی مخالفان دولت مرکزی و حمایت از مطبوعات مخالف دولت، زمینه را برای انقلابی آرام و به شکست کشاندن دولت و یا حکومت فراهم می‌نموده است. عمده‌ترین فعالیت این بنیاد در حوزه کشورهای آسیای میانه و قفقاز است. نظریه پرداز اصلی انقلاب رنگی و یا تغییر به روش غیر خشونت‌آمیز، «جین شارپ»^۴ است که برخی او را

^۲ Sorosfoundation

^۳ OpensocietyInstituteosi
gene sharp

«کلاوزیتس مبارزات بدون خشونت» می‌خوانند. او دکترای فلسفه و استاد علوم سیاسی چندین دانشگاه آمریکاست و اندیشکده آلبرت انیشتین را با هدف گسترش تحقیق، مطالعه و آموزش در زمینه راهبردهای مبارزات بدون خشونت بنا نهاده است. از اواسط قرن بیستم نظریه خود را تبیین و بسط داده است. معروف‌ترین کتاب وی با عنوان «از دیکتاتوری تا دموکراسی» است. این کتاب که خلاصه‌ای از مبانی و بیشتر با رویکردی عملی، آموزه‌های کودتای نرم را بیان می‌کند، توسط مؤسسه آلبرت انیشتین به منظور استفاده «مبارزان راه دموکراسی» در رژیم‌های به زعم آنها دیکتاتوری، به زبان‌های مختلف از جمله در سال‌های اخیر به زبان فارسی ترجمه شده است. این کتاب حدود ۷۰ صفحه و شامل ۱۰ فصل و یک پیوست می‌باشد. در پیوست کتاب، ۱۹۸ اقدام عملی پیشنهادی برای سرنگونی یک نظام سیاسی به روش براندازی نرم، شماره‌گذاری شده است.

سطوح جنگ نرم

اگر جنگ نرم را به معنای یارگیری از درون برای تأثیرگذاری بر نظام سیاسی مورد هدف تعریف کنیم، این جنگ نیازمند یک گروه استحاله‌شده و ناراضی از درون است تا با بهره‌گیری از یک حادثه و رویدادی که نقش کاتالیزور دارد بتوان نظام موجود را به چالش کشید. محیط خارجی با بهره‌گیری از این فرصت پروژه براندازی را هدایت و رهبری و حمایت مالی، سیاسی و حقوقی می‌کند. در تهاجم فرهنگی به تدریج گروهی از مردم از طریق ابزار فرهنگی و رسانه از اصول و ارزش‌های دینی و انقلابی تهی می‌شوند و در نهایت شرایط برای بی‌ثبات‌سازی اجتماعی، سیاسی و گسترش ناامنی فراهم می‌شود. دشمن نخبگان مخالف وضع موجود و قدرت‌طلب را که هدف آنها رسیدن به قدرت و تغییر است، از طریق گروه‌های سیاسی تجدید نظرطلب داخلی، شناسایی می‌کند. نخبگان همگرا با بازیگران خارجی، ممکن است از مسیر عرفی و قانونی به قدرت برسند و اهداف خود را در درون حاکمیت پی‌گیری کنند. در صورت شکست برای رسیدن به ساختارهای قدرت، قواعد موجود را به چالش می‌کشند و از این طریق با پیوند با

جریان‌های ساختارشکن و برانگیختن گروه‌هایی از مردم که دچار استحاله شده‌اند، با بهره‌گیری از شیوه‌های عملیات روانی، نظام موجود را به چالش می‌کشند؛ بنابراین در جنگ نرم دو سطح راهبردی، شامل نخبگان و مسئولان کشور و سطح میانی شامل بدنه اجتماعی و مردم مورد هدف است.

سطح راهبردی جنگ نرم

در سطح راهبردی رهبران سیاسی و نخبگان کشور آماج هدف جنگ نرم قرار می‌گیرند. این سطح، بالاترین سطح رویارویی جنگ نرم تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، این سطح، سطح تقابل اراده‌های سیاسی و راهبردها در محیط بین‌الملل است. هدف اصلی همه بازیگران در این سطح، افزایش قدرت هنجارسازی کشور خود و تضعیف قدرت نرم حریف در محیط بین‌المللی است؛ بنابراین به هر میزانی که یک بازیگر و یا بازیگران بتوانند در این سطح قدرت ایجاد کنند و یا بر قدرت هنجارسازی دیگران تأثیر بگذارند، از میزان قدرت تأثیرگذاری هنجاری بیشتری در محیط بین‌الملل برخوردار خواهند بود. مفهوم قدرت نرم در این سطح شامل قدرت تأثیرگذاری بر رفتار سایر بازیگران است که عناصر آن جذابیت فرهنگ، ایده سیاسی کارآمد و دیپلماسی فعال است. هدف از جنگ نرم در این سطح تأثیرگذاری بر اندیشه و حوزه شناختی نخبگان و رهبران حریف و همچنین تأثیر بر عزم و اراده آنان است. رهبران و نخبگان سیاسی یک کشور باید از قدرت تحلیل و برآوردهای دقیق دارای محیط بین‌الملل باشند و علاوه بر آن باید از عزم و اراده لازم در مواجهه به موقع و قاطع برخوردار باشند.

ملتون و دیگران (۲۰۰۵) بر این باورند که آماج‌های اصلی تغییرات بنیادی در یک جامعه، روشنفکران و تحصیل‌کردگان آن جامعه هستند. آنها در تأیید ادعای خویش از اصول نظریه "ارتباطات دو مرحله‌ای" یاد می‌کنند. در این نظریه باور بر آن است که حکومت‌ها و نهادهای سیاسی با بهره‌گیری از رسانه‌ها بر افراد تحصیل‌کرده و روشنفکر جامعه تأثیر می‌گذارند و آنان نیز با تبلیغات، روشنگری، آموزش و جز آن

بر توده‌های مردم تأثیر می‌گذارند و از این طریق موجب شکل‌گیری افکار عمومی جامعه می‌شوند (میلر و دیگران، ۲۰۰۳). محققان نشان داده‌اند که جامعه دارای دو نوع افکار عمومی است: افکار عمومی نخبگان و افکار عمومی توده. به زعم آنان، افکار عمومی نخبگان سریع‌تر از افکار عمومی جامعه شکل می‌گیرد. به همین سبب، نهادهای سیاسی و عاملان و کارگزاران دستکاری نگرش‌های سیاسی، بیش از هر چیز در پی شکل‌دهی به افکار عمومی این گروه هستند. محققان دیگر از "گروه‌های مرجع" سخن به میان آورده‌اند. به باور آنها در هر جامعه‌ای افراد روشنفکری وجود دارند که سهم و نقش زیادی در شکل‌گیری افکار عمومی جامعه دارند. از این افراد با اسامی مختلفی نظیر "رهبران فکری"، "افکارسازان"، "مدل‌های فکری" و جز آن یاد می‌شود. آنها تأکید می‌کنند در جریان اشاعه فرهنگی و تغییر فرهنگ‌پذیری، این گروه از افراد پیش از بقیه آماج قرار می‌گیرند. چه، با تغییر نظرات و نگرش‌ها و ارزش‌های این گروه زمینه و بستر مساعدی برای تغییر سایر افراد جامعه فراهم می‌شود. جنگ نرم در حوزه نخبگانی عمدتاً به مدیریت ادراکات و تصمیمات و در بدنه اجتماعی به مدیریت احساسات و تحرکات اجتماعی می‌پردازد.

سطح میانی جنگ نرم

سطح میانی جنگ نرم بر عنصر مردمی قدرت ملی یک کشور تأکید دارد. قدرت نرم در این سطح متأثر از فرهنگ ملی است. فرهنگ ملی مجموعه زیرساخت‌های فکری، ارزش‌های بنیادین و رویه‌های رفتاری مردم است. این سطح از قدرت یک کشور از اهداف سطح راهبردی و سیاست‌های نظام پشتیبانی می‌کند. همچنین از تصمیمات نخبگان و رهبران کشور حمایت می‌کند. قدرت اصلی و تعیین‌کننده یک کشور، به ویژه در نظام سیاسی مردم‌سالار جمهوری اسلامی در این سطح تعریف می‌شود؛ زیرا اهداف و منافع ملی کشور را با پشتیبانی مردمی پی‌گیری و محقق می‌شود. باورمندی یک ملت و میزان انسجام، عزت و روحیه ملی متکثر از این سطح از قدرت نرم است.

هدف از جنگ نرم در این سطح، سلب اراده و انگیزه از مردم و بی تفاوت نمودن بدنه اجتماعی و القای ناکارآمدی نظام سیاسی موجود در کشور است تا در این فرآیند دشمن بتواند با تأثیرگذاری بر باور، ارزش‌های پایه‌ای و الگوهای رفتاری مردم یک کشور را تغییر داده و گروه‌هایی از جمعیت آن کشور را به جمعیت‌های بی تفاوت، مخالف و در نهایت معارض تبدیل کند و در نهایت با از بین بردن اعتماد مردم به نظام، شرایط را برای مخالفت، شورش، اغتشاش و نافرمانی‌های مدنی آماده نماید.

جنگ نرم در این سطح، میزان حمایت مردم را از سیاست‌های نظام کاهش می‌دهد. کشوری که از مؤلفه‌های قدرت مردم در این سطح برخوردار باشد، به طور طبیعی آن کشور، فاقد بحران‌هایی از جمله بحران سیاسی، مقبولیت، مشارکت، انسجام، هویت و کارآمدی خواهد بود و به طور طبیعی بازدارندگی مردمی در برابر هر نوع تهدید شکل خواهد گرفت. در مقابل، وجود بحران‌های فوق و همچنین فقدان قدرت همراه‌سازی مردم، می‌تواند آن کشور را آسیب‌پذیر نموده و بسترهای تحقق جنگ نرم را فراهم سازد. لازم به ذکر است مصادیق، شیوه و ابزار جنگ نرم در گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه متفاوت است. امروز با بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های نوین ارتباطی در جنگ نرم، شاهد تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای بسیار متنوع و با هدف قرار دادن گروه‌های سنی مختلف و به صورت حرفه‌ای هستیم.

ابعاد جنگ نرم

در مورد ابعاد و حوزه‌های تأثیر جنگ نرم صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلف و طبقه‌بندی‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند سه بعد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، ابعاد اصلی جنگ نرم را تشکیل می‌دهد که در این چارچوب شاخص‌هایی را ارائه نموده‌اند. برخی دیگر از صاحب‌نظران با افزودن بعد اقتصادی و برخی با افزودن بعد امنیتی ابعاد جدیدی را تا شش بُعد به ابعاد جنگ نرم

افزوده‌اند. بسیاری از محققان (دسی، ۲۰۰۷ و لوین، ۲۰۰۸) جنگ نرم را به سه نوع یا بُعد جنگ فرهنگی، جنگ اجتماعی و جنگ سیاسی تقسیم کرده‌اند (نائینی، ۱۳۹۱).

بعد فرهنگی

جنبه فرهنگی، مهم‌ترین بعد جنگ نرم است. تهاجم فرهنگی، مقدمه جنگ نرم به شمار می‌آید؛ زیرا عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا با بهره‌گیری از سازوکارها و روش‌های فرهنگی بر ارزش‌های بنیادی جامعه (خدامحوری، دشمن‌ستیزی، عدالت‌خواهی، خودباوری و...)، نگرش‌های پایه (نگرش به بیگانگان، حکومت، روابط اجتماعی و...) و ترجیحات اساسی (ترجیحات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...) آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی، تأثیر بگذارند و آن را تغییر دهند. نتیجه جنگ نرم فرهنگی، استحاله فرهنگی و تغییر هویت است.

بعد سیاسی

عاملان جنگ نرم در صدد هستند تا نوع نگرش، موضع‌گیری و کنش شهروندان یک جامعه را در برابر حکومت و نهادهای سیاسی آن، دست‌کاری نمایند و آنان را برای دست‌یازیدن به کنش‌های اعتراض‌آمیز، مانند راهپیمایی، تظاهرات، اعتصاب و جز آن، ترغیب کنند. به تعبیر روشن‌تر، عاملان جنگ نرم در پی آن هستند که شهروندان جامعه را وادار به نافرمانی مدنی نمایند تا بر اثر آن، رفتار حکومت یا حتی مردم را به تدریج دستخوش تغییر سازند (ساندرس، ۱۳۸۲) و مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی الگوی سیاسی موجود را مورد تردید قرار دهند. شاید از همین روی است که برخی محققان (مافی، ۱۳۸۷) «انقلاب‌های رنگی» را در زمره انواع جنگ نرم سیاسی جای می‌دهند. چه، در این نوع رخدادها نظام سیاسی بر اثر اعتراضات گروه‌هایی از شهروندان و بر اثر فرصت‌هایی نظیر انتخابات، دستخوش تغییر می‌شود. «انقلاب گل سرخ در گرجستان»، «انقلاب نارنجی در اوکراین» و «انقلاب گل لاله در قرقیزستان» از جمله انقلاب‌های رنگی هستند که طی دو دهه گذشته بر اثر جنگ نرم به وقوع پیوسته‌اند.

متقی (۱۳۸۶) نیز بر این باور است که جنگ نرم بیش از هر چیز در پی آن است تا به مخاطبان القا کند که حکومت آماج، فاقد کارآمدی است و مشروعیت ندارد. برخی صاحب نظران بعد سیاسی جنگ نرم را پراهمیت تر از سایر ابعاد می دانند. متولیان بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی (۱۳۸۶) در نوشتاری با عنوان «شیوه های به کارگیری قدرت نرم»، بعد سیاسی جنگ نرم را برجسته تر از سایر ابعاد ذکر می کنند. آنان جنگ نرم را اقدامی سیاسی می دانند که این اقدام در جهت اعمال قدرت در نبردها، بدون استفاده از خشونت فیزیکی، عمل می کند. آنان تأکید می کنند که در اقدام کنشگران خواسته می شود تا: ۱. از انجام برخی اعمال، برای مخالفت با نظام، سرباز زنند، ۲. به انجام کنش هایی پردازند که مغایر قوانین و هنجارهای جاری است و همان گونه که از تأکیدات پیدا است، نویسندگان نوشتار مذکور جنگ نرم را در حد اقدامات اعتراض آمیز مدنی فرو می کاهند. در حالی که جنگ نرم از شمول و گستردگی بیشتری برخوردار است.

بعد اجتماعی

سومین بعد جنگ نرم، جنبه اجتماعی آن است. از جمله مؤلفه های بعد اجتماعی جنگ نرم، کنش های اجتماعی، روابط و تعاملات، آداب و رسوم و رفتارهای جمعی است. عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا بر هویت مردم، جامعه انسجام اجتماعی، روحیه ملی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی و...، تأثیر بگذارند.

بعد روان شناختی

عاملان جنگ نرم در این بعد با بهره گیری از روش های مجاب سازی، تغییر نگرش ها و شست و شوی مغزی در پی آن هستند تا نظام شناختی یا ذهنی مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهند و افکار، اندیشه ها و شیوه تحلیل اطلاعات آنان را دستخوش تغییر سازند.

کارکرد دانشجویان در تهدیدهای نرم از نگاه مقام معظم رهبری

با بررسی بیانات و مکتوبات موجود از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای، برخی از دیدگاه‌های ایشان نسبت به دانشجویان و انتظارات و توقعات ایشان از آنها استخراج شده تا بتوان از این رهگذر شاخصه‌هایی برای دانشجویان در میدان عملی جنگ نرم تعیین کرد.

ایشان در پیامی به گردهمایی ویژه دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی در سال ۱۳۷۸ می‌فرماید: «جامعه دانشگاهی کشور اعم از دانشجو و استاد و مدیران، امروز وظیفه بزرگی بر دوش دارند. انقلاب توانسته است اعتماد به نفس را در نسل جوان زنده کند. حفظ و تقویت این احساس مبارک، همان وظیفه بزرگ و تاریخی است... . نقش‌آفرینی دانشجو و دانشگاه، چه در دوران مبارزات اسلامی و چه در مقابله با فتنه گروهک‌ها پس از پیروزی انقلاب، و سپس در سال‌های دفاع مقدس، درستی نگاه امام راحل به دانشگاهیان را به اثبات رسانید و همتی را که آن حکیم فرزانه بر بنای دانشگاه مستقل، مبتکر، پیشرو و پایبند به ارزش‌های اسلام و انقلاب، گماشته بود، موجّه ساخت... . در نظر امام، دانشگاه نه تنها مرکزی برای فراگرفتن دانش، که عرصه‌ای برای پرورش اصیل‌ترین نیروهای اداره کشور بود و دانشجو نه فقط جوانی طالب علم، که مظهر شور و نشاط و خلاقیت و آرمان‌گرایی» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۸).

رهبری در خصوص داشتن روحیه بسیجی در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه می‌فرمایند: «این هم هنر امام بود. امام در همین نوشته‌ای که در آذر ۶۷ مرقوم کردند- یعنی آخر عمرشان، تقریباً ده سال بعد از آن نوشته اول- از دانشجویان و طلاب می‌خواهند که بسیج تشکیل بدهند؛ بسیج دانشجو و بسیج طلبه. این نشان‌دهنده این است که نیازی که کشور به روحیه بسیجی دارد، مربوط می‌شود به همه زمینه‌ها، از جمله زمینه‌هایی که در قلمرو حوزه‌های علمیه است و

زمینه‌هایی که در قلمرو دانشگاه‌هاست... در دانشگاه هم بسیج دانشجو، بسیج استاد، یک پدیده پیش‌رونده و پیش‌رو محسوب می‌شود» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۶۷).

آیت الله خامنه‌ای طی بیاناتی در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها در خصوص **اتحاد و همدلی** می‌فرمایند: «اتحاد و یکپارچگی در درون و نیز تزریق اتحاد به مجموعه جامعه. برادران، خواهران، عزیزان! امروز کشور به اتحاد کلمه خیلی نیازمند است. بنده مخالفم با سخنی و حرکتی و نوشتاری که - حتی اگر با انگیزه درست و با انگیزه صادقانه است - موجب شقاق و شکاف می‌شود؛ بنده موافق نیستم. اگر کسی نظر من را می‌خواهد بداند، نظر من این است که عرض کردم. ما بایستی انسجام را ایجاد کنیم. ما بایستی تلائم را در مجموعه این ظرفیت عظیم به وجود بیاوریم. هنر انقلاب این بود که آمد دیوارها را از وسط برداشت» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۷).

ایشان در سخنانی در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران پیرامون فضای سیاسی دانشگاه‌ها می‌فرماید: «یک مسأله دیگر هم مسأله سیاسی در دانشگاه‌هاست. می‌دانید من از سابق عقیده‌ام بر این بوده است که در دانشگاه باید روح سیاسی زنده باشد؛ این یک نشاطی به جوان می‌دهد. ما جوان بانشاط لازم داریم. دانشگاهی که از سیاست دور باشد و بکلی از سیاست برکنار باشد، این دانشگاه خالی از شور و نشاط خواهد بود؛ به علاوه که محلی خواهد شد برای رشد میکروب‌های خطرناک فکری و رفتاری؛ بنابراین خوب است و باید در دانشگاه سیاست باشد؛ منتها معنای سیاسی شدن دانشگاه یا حضور سیاست در دانشگاه را نباید اشتباه کرد. معنایش این نیست که دانشگاه بشود یک جایی برای اینکه جریانهای سیاسی، گروههای سیاسی، عناصر سیاسی برای اغراض سیاسی بیایند از این استفاده کنند؛ این نباید باشد؛ این را باید مانع شد. یعنی این دیگر یک چیزی است که باید مدیریت کرد، باید شماها اعمال قدرت کنید؛ نگذارید این‌طور بشود. اگر این بشود، دانشجو از دستتان رفته و یک سوءاستفاده کنی می‌آید کار خود را دنبال می‌کند» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۸).

«ما البته درخواستمان از مردم این است: در این قضایای اهانت به امام راحل (رضوان الله علیه)، مردم ما عصبانی شدند، خشمگین شدند؛ حق هم دارند. اعلام برائت کردند، جا هم داشت، خوب هم بود؛ لکن آرامششان را حفظ کنند. از دانشجویها هم ما همین درخواست را داریم: آرامش را حفظ کنید... اگر یک وقتی لازم بشود، خود مسئولان، خود قانون و حافظان قانون، آنچه که وظیفه‌شان باشد، انجام می‌دهند. البته شناسایی کنند؛ خود دانشجویها موظفند در محیط دانشگاه، افرادی را که منشأ فسادند، این‌ها را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. این خودش یک تبلیغ درست و صحیحی است. آگاه کنند؛ بدانند ارتباطات این‌ها را، جهت‌گیری این‌ها را؛ لکن همه کار با آرامش باید انجام بگیرد. در سطح جامعه، تشنج، اغتشاش، درگیری مصلحت نیست» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۸).

رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در خصوص امید و نشاط و نقش دانشجویان در جنگ نرم بیان می‌دارد: «به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۸).

«حسینیه همین طور که حالا اجتماع هست، اجتماعی بود از جوان‌ها- به آنها گفتم که ما با جنگ نرم، با مبارزه نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوان‌ها هم همین را می‌گفتند؛ مکرر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم می‌گفتند و همه این را می‌دانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوان‌های دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچ‌گونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هرچه فرمانده می‌گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه‌ها و یگان‌های بزرگ، چون آنها طراحی‌های کلان را می‌کنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل می‌کند، هم صحنه را درست می‌بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان،

فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می بینند، در چهارچوب هم کار می کنند. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه ای دارد؟ اگر در زمینه های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدف های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه های دشمن، آن چنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه های مختلف، فرماندهان بالا این نقش ها را ایفا می کنند» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۸).

رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان در خصوص **عدالت طلبی** می فرماید: «ما می خواهیم مسأله پیشرفت و عدالت، در دهه چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراحی و برنامه ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۸).

ایشان در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت در خصوص برجسته کردن شاخص های انقلاب می فرماید: «دانشجو و دانشگاهی، بخصوص دانشجو می تواند در این میدان نقش آفرین باشد؛ میدان حفظ شاخص ها، برجسته کردن شاخص ها و مختصات حقیقی جمهوری اسلامی؛ غیر از مختصات ظاهری که اسم ها و مقامات رسمی و حقوقی و این ها است. شما می توانید سهمیم باشید، می توانید اقدام کنید. و البته و خوشبختانه، ملت ما ملت بیداری است» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷).

ایشان در ادامه خصوصیات برای دانشجویان بیان می دارد: «البته من قضاوتم روی بدنه دانشجویست. ممکن است افرادی، بخش هایی از مجموعه دانشجویی جور دیگری باشند. نه تعجب می کنیم، نه انکار می کنیم؛ مطمئناً این است، اما بدنه

دانشجویی، طبیعت کار دانشجویی و روحیه دانشجویی، اینی است که عرض کردم. دانشجو ضد ظلم است، ضد استکبار است، ضد سلطه خارجی است، عاشق آرمان‌های بزرگ است، امیدوار به رسیدن به این آرمان‌هاست. در واقع حضور قشر جوان، به خصوص دانشجو، موتور حرکت یک جامعه است. باید دانشجویها همیشه به این توجه داشته باشند و روی او برای آینده کشور حساب کنند» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷).

رهبری معظم در دیدار دانشجویان سراسر کشور در خصوص محافظه کاری دانشجویان می‌فرماید: "بدترین اشکال و اشکال وارد بر محیط دانشجویی این است که دانشجو دچار محافظه‌کاری شود و حرفش را با ملاحظه موقع و مصلحت خیالی بیان کند؛ نه، دانشجو باید حرفش را صریح بزند. البته در کنار این **صراحت در بیان، صداقت در نیت** هم باید وجود داشته باشد و در کنار او، **سرعت در پذیرش خطا**؛ اگر ثابت شد که خطاست. فرق شمای جوان و دانشجو و صادق و پاکیزه‌دل، با یک آدم سیاسی کار باید در همین باشد؛ حرفتان را صریح بزنید؛ آنچه را که می‌زنید، از دل بزنید؛ و اگر چنانچه معلوم شد که اشتباه است، سریع پس بگیرید؛ راحت. این، به نظر من یکی از بهترین شاخصه‌های دانشجویی است (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷).

ایشان در ادامه می‌فرماید: «و **اتحادتان را حفظ کنید**، اتحاد! در مقیاس ملت ایران هم حفظ اتحاد یک وسیله اصلی است؛ در مقیاس قشر دانشجو هم در سراسر کشور همین است» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز درباره نظریه‌سازی می‌فرماید: «اما آنچه که من می‌توانم به عنوان راهنمایی و راهبرد کلی به شما عرض کنم، تلاش و مجاهدت جوانانه و پیگیر است. شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر **نظریه‌سازی** باشید. الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و

شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آنها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازی‌های خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم.... باید هوشیار بود؛ در محیط دانشگاه این هشیاری از همیشه لازم‌تر است." ایشان در ادامه در خصوص تصمیم‌سازی می‌فرماید: "توانایی تصمیم‌گیری یکی از مشکلاتی است که اگر وارد محیط دانشجویی شد، خیلی از هنجارهای مطلوب و درست را به هم خواهد زد؛ این تجربه ماست. بگذاریم دانشجو با فکر خود، با زبان باز خود، با تعلق کم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازی کند. تصمیم‌گیری را بگذاریم کسی بکند که بتوان از او سؤال کرد و او مسئول و پاسخگو باشد. بنابراین دنبال این نباشیم که محیط دانشجویی، محیط تصمیم‌گیری برای اقدام باشد؛ این نه به نفع دانشجویست، نه به نفع آن اقدام. دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند؛ یعنی **گفتمان‌سازی** کنید» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷).

ایشان در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد در سال ۱۳۸۶ در خصوص تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی و اعتماد به نفس می‌فرمایند: «من می‌خواهم بگویم **اثرگذاری دانشجویی** بیش از آنچه که با مشورت‌دهی به مسئولان باشد، با **جهت‌دهی به عناصر انسانی در نیروهای تحت تأثیر** است. شما در خانواده‌تان می‌توانید اثر بگذارید؛ روی برادر و خواهرتان می‌توانید اثر بگذارید؛ روی پدر و مادرتان می‌توانید اثر بگذارید. در محیط زندگی خودتان، روی فامیل، روی دوست، روی همبازی در ورزش می‌توانید اثر بگذارید؛ اثر به زبان، اثر به منش، اثر به رفتار. این بهترین توفیق و پیروزی برای دانشجویست؛ اثرگذاری در محیط‌هایی که می‌تواند در آن اثرگذاری بکند.... پس عوامل تضعیف اعتماد به نفس را بایستی هرچه می‌توانیم، حذف کنیم؛ عوامل تقویت اعتماد به نفس را هرچه می‌توانیم، تقویت کنیم» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۶).

رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در خصوص **انتقادپذیری** می‌فرماید: «نقدپذیر هم باید بود. دیگران هم اگر از ما به عنوان دانشجو، به عنوان تشکل دانشجویی نقد کردند، بپذیریم؛ یعنی تحمل کنیم؛ بپذیریم به معنای تحمل کردن است.... در پایان فقط چند توصیه به دانشجویان عزیز بکنم: در محیط دانشگاه، محیط دانشجویی، نقد منصفانه و متقابلاً نقدپذیری متواضعانه هر دو لازم است. جوان، آن هم دانشجو، در محیط علمی باید ذهنش و زبانش باز باشد؛ نقد کند؛ البته منصفانه باشد. نقد را با عیب‌جویی و با عصبانیت و با بهانه‌گیری نباید اشتباه کرد، اما نقادی باید کرد» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۶).

ایشان در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی **بهترین معیار وحدت را قانون** بیان می‌کند و می‌فرماید: «واقعیت هم همین است که در محیط‌های طلبگی، گاهی دو طلبه دعوا و جنجال می‌کنند؛ عصبانی می‌شوند، اما وقتی مباحثه تمام می‌شود، با یکدیگر ناهار و چایی می‌خورند و «لم یکن شیئاً مذکوراً» (۶۰)! حرف‌هایشان را می‌زنند، اما بینشان دشمنی و شکاف ایجاد نمی‌شود. در بحث، منطق و استدلال باشد، چهارچوب هم چهارچوب قانون است. قانون هم در درجه اول، قانون اساسی است. این چهارچوب را رعایت کنید. بنده آن روز هم به جوانان دانشجو گفتم که قانون آمده تا جای صدای کلفت را بگیرد» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۲).

رهبری در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر درباره **اعتماد به نفس** می‌فرماید: «من به شما بگویم، این دو نکته، نکات مهمی هستند که اگر از طرف بیگانگان و دشمنان خطری دانشگاه را تهدید کند، بمباران همین دو مرکز اساسی و مهم است؛ اعتماد به نفس را از دانشگاهی بگیرند، بخواهند فکرها و تئوری‌های ترجمه‌ای را وارد محیط دانشگاه کنند و به مغز دانشجو و استاد رسوخ دهند و آن‌ها را از ایمان و دل‌بستگی‌های مردم جدا کنند. این، آن خطر اساسی است. علاج هم عبارت است از حفظ اتصال فکری با توده‌های مردم و به شدت چسبیدن و متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۹).

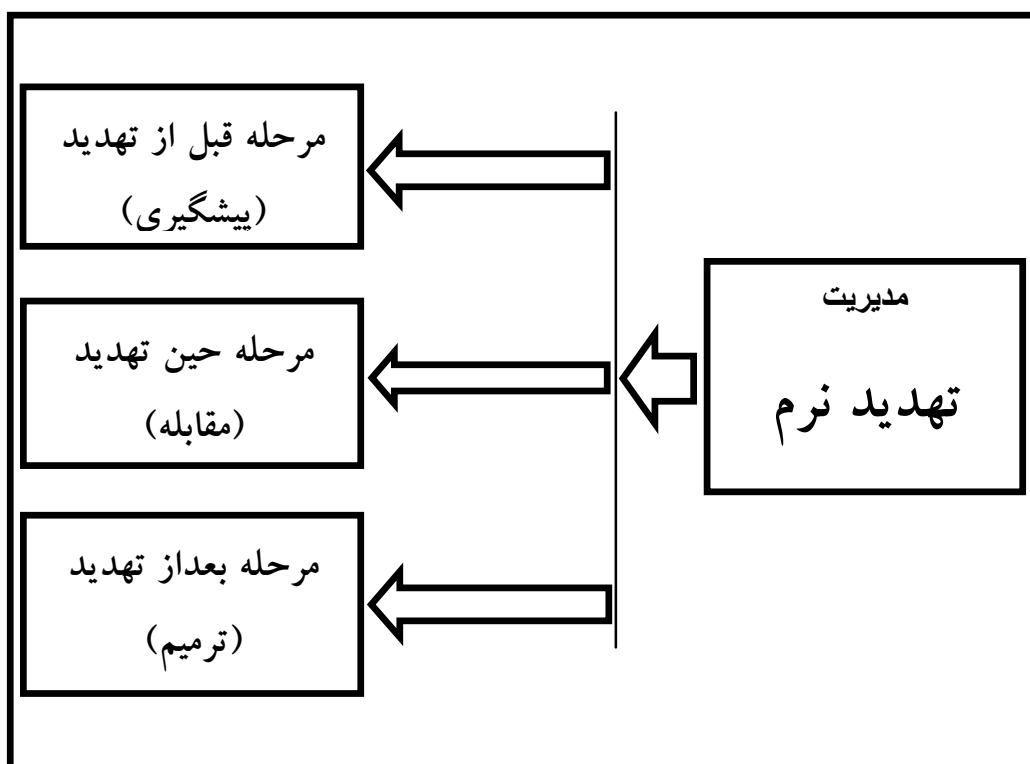
ایشان یکی از آفات مهم جنبش دانشجویی را سطحی شدن می‌داند و می‌فرماید: «عزیزان من! از سطحی‌اندیشی به شدت پرهیز کنید. خصوصیت دانشجوی، تعمق و تدقیق است. هر حرفی را که می‌شنوید، رویش فکر و دقت کنید. چرا در اسلام هست که: «تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة».... نباید سطحی بود. به هر شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی و به هر نقلی، نمی‌شود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسان‌های فرزانه و هوشمند است، این است» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۸ - دانشگاه صنعتی شریف).

ایشان در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم درخصوص دشمن‌شناسی فرمودند: «حرف من به دانشجویان این است که مراقب دشمن باشید؛ دشمن را خوب بشناسید؛ مبدا از شناسایی دشمن غفلت کنید. غریبه‌هایی را که در لباس خودی خودشان را در همه جا داخل می‌کنند بشناسید؛ دست‌های پنهان را ببینید. هیچ‌کس به خاطر غفلت ستایش نمی‌شود. هیچ‌کس به خاطر چشم‌ها را بر هم گذاشتن، مدح نمی‌شود. اگر بر آدم غافل ضربه‌ای وارد شد، اوّل کسی که مسئول و مذموم است، خود اوست؛ مراقب باشید» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۸).

ایشان در مقاطع و زمان‌های مختلف نسبت به تحلیل سیاسی دانشجویان می‌فرمایند: «هدف بحث‌های سیاسی دانشجویی باید همین باشد تا دانشجو بتواند قدرت تحلیل سیاسی پیدا کند. "،" فعالیت سیاسی، برای پیدا شدن قدرت تحلیل در دانشجوست. این دانشجو اگر قدرت تحلیل سیاسی نداشته باشد، فریب می‌خورد و فریب خوردن دانشجو، درد بزرگی است که تحمّلش خیلی سخت است» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۸).

مدل تحلیلی تحقیق

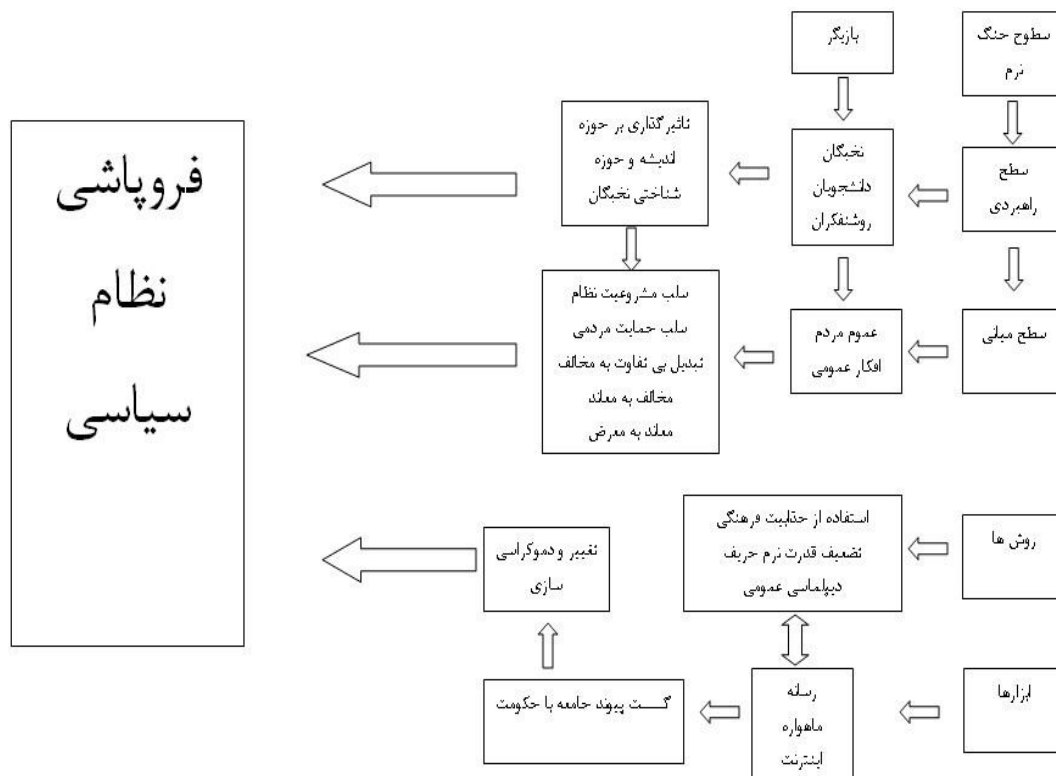
برای مدیریت هر تهدید سه مرحله را می‌توان بر شمرد که مدل زیر بر این اساس طراحی شده است:



مدل ۱ مدیریت تهدید نرم

مدل سطوح جنگ نرم

در مباحث مربوط به جنگ نرم مطرح شد که این جنگ در دو سطح راهبردی و عملیاتی انجام می‌گیرد که مخاطب اصلی در سطح راهبردی نخبگان و به ویژه دانشجویان هستند، سطحی که تأثیرگذاری بالایی بر عموم افراد جامعه دارد.



مدل ۲ سطوح جنگ نرم

جمع بندی و نتیجه گیری

مدل مفهومی جنگ نرم برای دانشجویان با تکیه بر تدابیر رهبری

با بررسی و واکاوی دقیق تر سخنان رهبری در جمع دانشجویان و یا بیانیه‌هایی که به نوعی جامعه مخاطب آن دانشجویان و قشر فرهیخته و نخبگان جامعه بودند شاخصه‌ها و مؤلفه‌های اصلی استخراج شد. مؤلفه‌هایی که به نوعی به انتظارات ایشان از دانشجویان در محیط جنگ نرم امروزی بر می‌گشت. سپس با توجه به سخنان معظم‌له این شاخصه‌ها به سه دسته تقسیم گردید؛ شاخصه‌هایی که به انتظارات ایشان در فضای جنگ نرم از دانشجویان قبل از تهدید، حین تهدید و بعد از تهدید مربوط می‌شد.

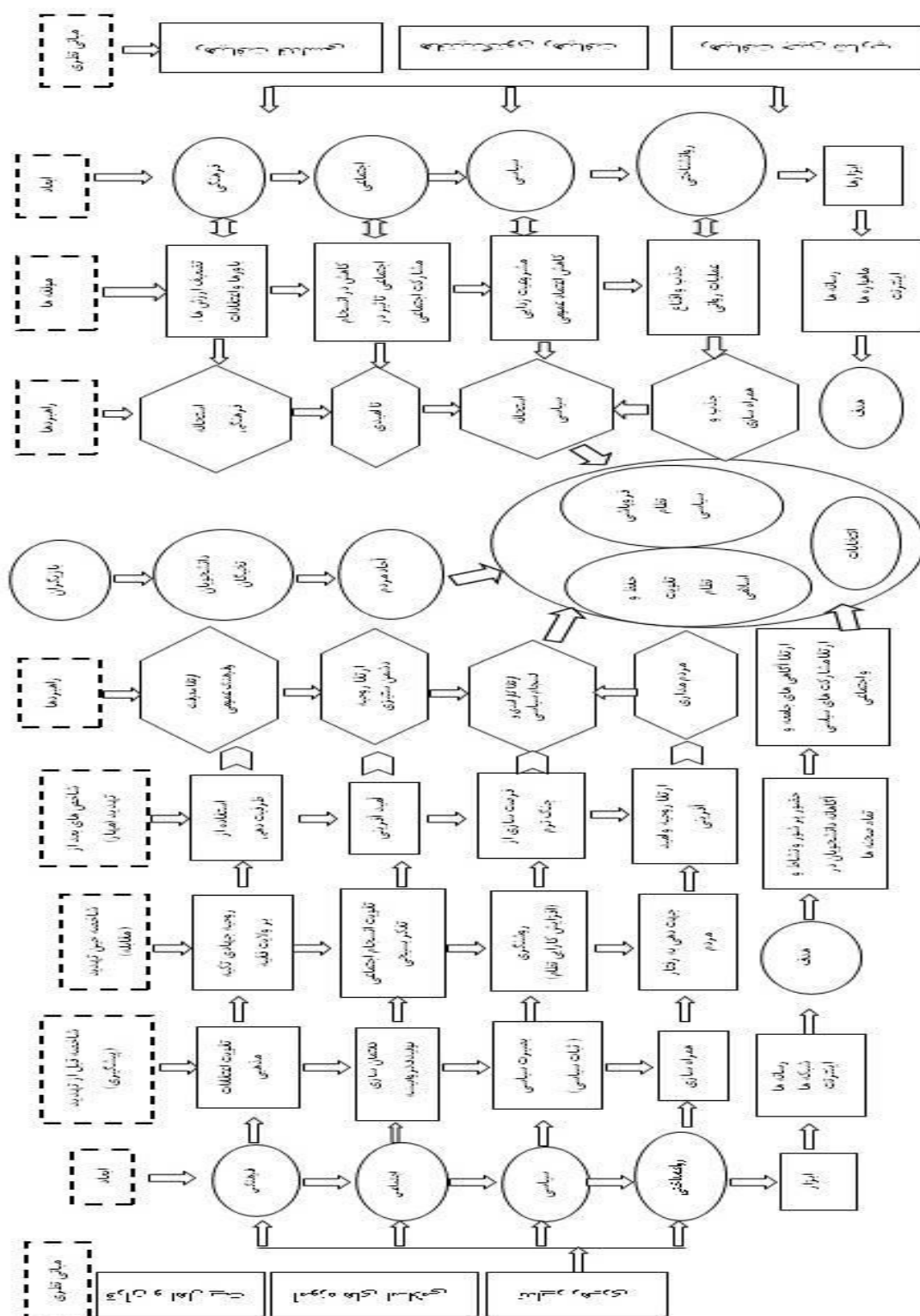
در نهایت برای طراحی مدلی مناسب بر اساس مطالب و مدل‌های ارائه شده، فضا و مدل مربوط به حرکت دشمن در جنگ نرم که میدان تهدید ما منظور می‌شد طراحی شد. در این قسمت دشمن بر اساس مبانی نظری خود که همانا بر پایه نظرات و رهیافت

هانتینگتون (گزینه تغییر شکل و استحاله رسمی)، رهیافت اندلسی (استحاله فرهنگی)، رهیافت جین شارپ (مدل انقلاب‌های مخملی) می‌باشد در چهار بُعد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی از طریق مؤلفه‌های تضعیف ارزش‌ها، کاهش انسجام اجتماعی، مشروعیت‌زدایی از نظام و کاهش اعتماد عمومی و انجام فعالیت‌های عملیات روانی به دنبال راهبرد استحاله فرهنگی، ناامیدی مردم از نظام، استحاله سیاسی و جذب و همراه نمودن جامعه مخاطب خود است که با استفاده از ابزار رسانه و ماهواره و اینترنت و تأثیرگذاری بر بازیگران اصلی میدان جنگ نرم که همانا نخبگان، دانشجویان، قشر تحصیل کرده و فرهیخته می‌باشد، بتواند نظام اسلامی را متلاشی کند.

در طرف دیگر مدل، الگوی مقابله قرار دارد و از آنجا که مبانی فکری اعتقادی و سیاسی ما بر پایه قرآن و عترت، آموزه‌های اهل بیت و تدابیر امام و مقام معظم رهبری است، در طراحی مدل مقابله بر اساس تدابیر رهبر انقلاب رفتار می‌کنیم. از این رو پس از واکاوی دقیق‌تر بیانات معظم‌له در چهار بعد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی، شاخصه‌هایی در قبل، حین و بعد از تهدید طراحی شد تا بتوان به مقابله با تهدیدهای دشمن در این راستا پرداخت و حتی تهدیدهای مقابل را تبدیل به فرصت نمود.

در الگوی مقابله نیز هدف تأثیرگذاری بر جامعه نخبگان و تحصیل‌کرده‌ها از جمله دانشجویان است که در صورت عمل دقیق بر اساس شاخصه‌های مطرح‌شده به ارتقا روحیه معرفت در سطح جامعه، کارآمدی و انسجام اجتماعی، مردم‌داری و در نهایت حفظ و تقویت نظام اسلامی بیانجامد.

از آنجا که یکی از بسترهای اصلی جنگ نرم، دوران انتخابات می‌باشد، در جمع‌بندی مدل زیر، همه فعالیت‌ها در بستر انتخابات طراحی شده است. می‌توان گفت مدل ذیل مدلی مفهومی برای دانشجویان در فضای جنگ نرم با تکیه بر تدابیر مقام معظم رهبری می‌باشد. با استخراج شاخصه‌هایی از سخنان رهبر انقلاب در خصوص وظایف دانشجویان در جنگ نرم، مدل ذیل طراحی گردیده تا بتوان الگویی بر اساس تدابیر معظم‌له در میدان مقابله با تهدیدهای نرم ارائه داد. اکنون می‌توان عملکرد دانشجویان را در میدان‌های جنگ نرم براساس این الگو بررسی کرد.



مدل ۳ مدل مفهومی جنگ نرم برای دانشجویان با تکیه بر تدابیر رهبری

کتابنامه

- امام خمینی (ره)؛ صحیفه نور، ۱۳۷۶.
- مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (سی دی حدیث ولایت).
- احمدی، مجتبی؛ از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم: (واکاوی منازعه نرم در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی) (۱۳۸۸)
- متقی، ابراهیم؛ بسیج و تولید امنیت نرم؛ دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج (۱۳۸۷)
- نای، جوزف؛ کاربرد قدرت نرم؛ ترجمه: سید رضا میر طاهر؛ ۱۳۸۳.
- نائینی، علی محمد؛ جهانی شدن فرهنگ و تهدید امنیت ملی؛ نشر ساقی ۱۳۸۸
- نائینی، علی محمد؛ اصول و مبانی جنگ نرم؛ تهران: نشر ساقی. ۱۳۹۱
- سراج، رضا؛ راهبرد جنگ نرم آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران .